

مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی  
جمهوری اسلامی ایران  
شماره بیست و ششم و بیست و هفتم، ۱۳۸۱ - ۱۳۸۰، صص  
۱۴۶ - ۱۳۱

## حمله به مرکز تجارت جهانی

و

### فروپاشی برخی از بنیادهای اساسی حقوق بین‌الملل\*

آنتونیو کاسسه  
مترجم: محمد جواد میرفخرایی

#### ۱. مقدمه

حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی نیویورک نه تنها آثار وحشتناکی از جنبه‌های انسانی، روانی و سیاسی در برداشت بلکه قواعد حقوق بین‌المللی را نیز به شدت تحت تأثیر خود قرار داد. با این حمله مبانی قانونی حاکم بر جامعه بین‌المللی دچار آسیب شد و در نتیجه لزوم بازسازی فکری در آن از یکسو و تأکید بر اصول کلی حاکم بر این

---

\*. مشخصات این مقاله به قرار ذیل است:

Antonio Cassese, Terrorism is also Disrupting some Crucial Legal Categories of International Law, European Journal of International Law, vol. 12, No. 5, Nov. 2001, pp. 993 – 1001.

جامعه از سوی دیگر بیش از پیش محسوس گردید.

بدیهی است که اطلاق واژه جنگ به این حمله از جانب رئیس جمهور امریکا و اعضای دولت او، استفاده از این اصطلاح در «غیر ما وُضِعَ لَهُ» است و ما قصد نداریم که در این مختصر زیاد به آن بپردازیم.

جنگ حسب تعریف، مخاصمه‌ای مسلحانه میان دو یا چند دولت است در حالی‌که در قضیه حمله به برج‌های دو قلوی نیویورک در برابر حمله بسیار خطرناک تروریستی به وسیله سازمانی غیردولتی علیه دولت دیگر قرار گرفته‌ایم. روشن است که استفاده از واژه «جنگ» آثار روانی شدیدی بر افکار عمومی جهان‌یان داشته است و هدف از بکارگیری آن ایجاد چنین ذهنیتی برای جامعه جهانی بوده که حمله آنقدر شدید و زیانبار است که به‌منزله حمله علیه دولت بوده و واکنش لازم به آن توسل به تمام منابع و امکانات را همچون حالت جنگ توجیه می‌کند.

این مقاله به بررسی دو نکته اختصاص دارد: در بادی امر درخصوص توصیف حقوقی حمله تروریستی از دیدگاه حقوق جزای بین‌المللی بحث نموده و سپس به این موضوع خواهیم پرداخت که حقوق بین‌الملل اجازه توسل به چه اقدامات قهرآمیزی را به ایالات متحده آمریکا می‌دهد و این اقدامات علیه چه کسانی می‌تواند باشد.

## ۲. تعریف تروریسم: جنایت علیه بشریت؟

تاکنون حملات تروریستی معمولاً به عنوان جرایم سنگین قابل مجازات تحت قوانین داخلی کشورها و در دادگاههای داخلی آنها تعریف شده است. معاهدات بین‌المللی ناظر به این موضوع دولتهای متعهد را موظف می‌نماید تا برای ریشه کن کردن این جرایم با یکدیگر همکاری قضایی نمایند. به نظر ما یقیناً می‌توان گفت که تروریسم فراملی مورد حمایت دولتها، اعم از اینکه این حمایت مستقیم باشد یا غیرمستقیم، به منزله جرمی بین‌المللی است که هم اینک نیز در حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان طبقه خاصی از

جرائم مورد پیش‌بینی و نهي قرار گرفته است.

زمانی که برخی کشورها بویژه الجزایر، هند، سریلانکا و ترکیه پیشنهاد کردند که تروریسم به عنوان یکی از جنایات بین‌المللی مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و به عبارت دقیق‌تر به مثابه جنایت علیه بشریت<sup>۱</sup> تلقی شود، بسیاری از کشورها از جمله امریکا به چهار دلیل زیر با آن مخالفت کردند: الف) نبود تعریف روشنی از جرم تروریسم؛ ب) سیاسی شدن دیوان در صورت آوردن این جرم تحت صلاحیت آن؛ ج) عدم شدت بعضی اعمال تروریستی به نحوی که شایسته تعقیب از سوی دیوانی بین‌المللی باشد؛ د) اثر بخش‌تر بودن تعقیب و کیفر به وسیله دادگاه‌های داخلی در مقایسه با رسیدگی در دیوان‌های بین‌المللی در اکثر موارد. پیشنهاد مزبور همچنین مخالفت بسیاری از کشورهای در حال توسعه را که معتقد به تفکیک تروریسم از مبارزات استقلال طلبانه ملت‌های تحت سلطه خارجی

---

۱. نگاه کنید به: A/ CONF. 183/C. 1/L. 27

یا استعماری بودند، برانگیخت و بالمآل به ردّ پیشنهاد مزبور انجامید.<sup>۲</sup> این رویکرد محتاطانه را تحولات اخیر نیز تأیید می‌کند. از جمله در سال ۱۹۸۴ در قضیه *Tel Oren v. Libyan Arab Republic* دادگاه استیناف ناحیه کلمبیا<sup>۳</sup> اعلام داشت که نظر به فقد هرگونه توافقی نسبت به تعریف تروریسم به عنوان جنایت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عرفی، این عمل به رغم ماهیت تجاوزکارانه آن قابل رسیدگی بین‌المللی نیست. به تازگی نیز در ۱۳ مارس ۲۰۰۱ دیوان کشور فرانسه در خصوص اقدام تروریستی شدید دیگری که حسب ادعا، قذافی نیز در آن دخالت داشت با اعلام این‌که تروریسم، جنایاتی بین‌المللی نیست که موجب سلب مصونیت سران دولتها گردد، رسیدگی‌های قضایی علیه رهبر لیبی را متوقف کرد.<sup>۴</sup>

---

۲. نگاه کنید به: A/CONF. 183/C.1/L.27/Rev. 1

۳. 726 F. 2d. 774 (D.C. Cir. 1984).

۴. نگاه کنید متن رأی، دیوان عالی کشور، بولتن *des arrêts de la Cour de Cassation*، شعبه جنایی، مارس ۲۰۰۱، شماره ۶۴، صص ۲۱۸ - ۲۱۹، در این زمینه نقد: S. Zappalà در شماره ۱۲ E.J.I.L (۲۰۰۱)، صص ۶۱۲ - ۵۹۵ و نیز F. Boitard در RGDIIP، شماره ۱۰۵، (۲۰۰۱)، صص ۴۹۱ - ۴۷۴.

حمله به مرکز تجارت جهانی و ... ❖ ۱۳۵

روبرت بدینتر، حقوقدان فرانسوی و وزیر پیشین دادگستری این کشور، کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد و ماری رابینسون<sup>۵</sup> کمیسر عالی ملل متحد در امور حقوق بشر، حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر را به عنوان جنایت علیه بشریت تعریف کرده اند، و این دیدگاه از جانب بسیاری از حقوقدانان برجسته دیگر نیز پذیرفته شده است.<sup>۶</sup> در حقیقت هم این عمل تمام ویژگیهای یک جنایت بینالمللی را داراست. ابعاد و ضایعات فوقالعاده سنگین این حمله بخصوص از آن جهت که افراد غیرنظامی را هدف گرفته است، اقدامی علیه کل بشریت و بخشی از یک عمل سازمانیافته گسترده محسوب میشود. هیچ استبعادی ندارد که دولتها تدریجاً چنین توصیفی را پذیرفته و جنایت

---

۵. اظهارات بدینتر (Badinter) و کوفی عنان (Annan) در رادیو فرانسه و CNN در مورد بیانیه M. Robinson، نگاه کنید: نکات مهم روزنامه ملل متحد، ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱، <http://www.un.org/News/dh/20010925.htm>.

۶. به عنوان مثال نگاه کنید به: آلن پله (Alain Pellet)، لوموند (Le Monde)، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ص ۱۲ و نیز حقوقدان انگلیسی جی. رابرتسون (G. Robertson) که همان تعریف را بازگو میکند، (نگاه کنید: تایمز، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱، ص ۱۸).

هولناك تروریسم را جنایت علیه بشریت (بویژه تحت عناوین فرعی قتل، قلع و قمع یا اعمال ضد انسانی یا نظایر آن به شرح مندرج در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) قلمداد نمایند، و به این ترتیب مفهوم جنایت علیه بشریت را گسترش دهند. اما در آن صورت این پرسش مطرح می‌گردد که اولاً: چه نوع حمله تروریستی و با چه خصوصیات جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود و ثانیاً آیا دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به تروریسم را نیز خواهد داشت یا خیر. شاید بحق بتوان گفت حوادث تروریستی با اب‌عادی نظیر واقعه ۱۱ سپتامبر، مشروط به داشتن شرایط و اوصاف این طبقه از جرایم، (بدون تأکید بر یکی از آن شروط مانند ایجاد وحشت در شهروندان) تحت عنوان جنایت علیه بشریت تلقی می‌گردند.

### **۳. اثرات واقعه ۱۱ سپتامبر بر مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل**

اثرات واقعه ۱۱ سپتامبر بر دفاع مشروع نگران‌کننده‌تر است. تاکنون

حمله به مرکز تجارت جهانی و ... ❖ ۱۳۷

علیرغم مجادلات حقوقی نظری راجع به دفاع مشروع، نظریه حاکم در حقوق بین‌الملل از وضوح کافی برخوردار بود. به این معنی که چنانچه حمله مسلحانه‌ای به وسیله دولتی علیه دولت دیگر رخ می‌داد، در صورت تعلل و یا عدم اقدام از سوی شورای امنیت، دولت مورد تجاوز می‌توانست به دفاع مشروع فردی دست زده و آن را تا زمان مداخله شورای امنیت ادامه دهد، و همچنین می‌توانست کمک سایر دول را در قالب دفاع مشروع جمعی بطلبد. البته توسل به زور در دفاع مشروع به وجود شرایط دقیق زیر بستگی دارد:

الف) ضرورت توسل به زور باید فوری، قطعی و اجتناب‌ناپذیر بوده و فرصتی برای رایزنی نباشد (این شرایط در راه حل مشهور وزیر خارجه آمریکا وبستر، که در سال ۱۸۴۲ در قضیه کارولین ارائه داده ملاحظه می‌گردد و بعد از ۱۹۴۵ نیز بسیاری در دفاع مشروع بر آن تأکید ورزیدند)؛

ب) استفاده از زور باید منحصرأً برای دفع حمله مسلحانه باشد؛



ج) استفاده از زور باید متناسب با حمله و فقط با هدف مقابله با آن صورت گیرد؛

د) استفاده از زور باید به محض اتمام حمله یا مداخله شورای امنیت خاتمه یابد؛

ه) دولت‌ها در دفاع مشروع باید به اصول اساسی حقوق بشر دوستانه احترام گذارند (مثل حرمت جمیعت‌های غیرنظامی و عدم استفاده از سلاح‌های موجد صدمات غیرلازم و ...).

واکنش دیگر در برابر تجاوز، مداخله شورای امنیت است. اما اگر شورا به دلیل در اختیار نداشتن نیروی نظامی نتواند ماده ۴۲ منشور را به اجرا گذارد، امکان دارد که به دولت قربانی تجاوز (و یا به سایر دولت‌ها) اجازه دهد که از زور علیه تجاوز استفاده کنند، نظیر آنچه در ۱۹۵۰ در قضیه کره، و در ۱۹۹۰ در حمله عراق به کویت رخ داد.

در مورد این پرسش خاص که چگونه باید به حمله تروریستی واکنش نشان داد بعضی دول مانند اسرائیل، امریکا و

حمله به مرکز تجارت جهانی و ... ❖ ۱۳۹۶

افریقای جنوبی در گذشته استدلال می‌کردند که می‌توان در برابر چنین حملاتی به دفاع مشروع توسل جسته و پایگاه‌های تروریستی را در کشورهای میزبان هدف قرار داد. دستیازی به دفاع مشروع در این حالت مبتنی بر این فرض است که دولت میزبان با پذیرش تشکیلات تروریستی در سرزمین خود به نحوی از انحا تروریسم را تشویق و یا تجویز کرده و لذا معاون در جرم بوده و به تعبیری از بابت حمله مسلحانه غیرنظامی مسؤول است. اما اکثریت دولتها این استدلال را قبول ندارند. به علاوه اقدامات تلافی‌جویانه نظامی در پاسخ به تجاوزات محدود نظامی چه علیه دولتها و چه علیه سازمانهای تروریستی همواره غیرقانونی به شمار آمده است.

حوادث ۱۱ سپتامبر به نحو چشمگیری این قالب حقوقی شناخته شده را دستخوش تغییر ساخت. در ۱۲ سپتامبر شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آرا قطعنامه‌ای به شماره ۱۳۶۸ درباره حملات تروریستی صادر کرد. این قطعنامه هم مبهم است و هم متناقض که در مقدمه آن حق دفاع مشروع

فردی و جمعی شناخته شده است، در بند ۱، حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به عنوان تهدید علیه صلح قلمداد گردیده و نه «حمله مسلحانه» ای که طبق ماده ۵۱ به دفاع از خود مشروعیت می‌بخشد.<sup>۷</sup> از سوی دیگر در بند ۵ قطعنامه، آمادگی شورایی امنیت برای اتخاذ هرگونه اقدام لازم در پاسخ به حملات تروریستی طبق منشور ملل متحد پیش بینی شده است. به عبارت دیگر، قطعنامه آمادگی لازم جهت اقدام نظامی و هر نوع عمل مشابه آن را در صورت اقتضا اعلام داشته است. ملاحظه می‌شود که شورا با صدور این قطعنامه بین دو گزینه گرفتن مسأله در دست خود و کنار رفتن به نفع اقدام یکجانبه ایالات متحده امریکا ابراز دو دلی و تردید کرده است. احتمالاً فشار وارده از سوی امریکا برای اداره بحران به دست خود (و احتمالاً با کمک متحدانش) و خواست این کشور برای دور زدن شورایی امنیت و گزارش ندادن به آن، علت ابهامات موجود در قطعنامه است.

---

۷. استناد به «تهدید علیه صلح» و «حق دفاع مشروع» در مقدمه قطعنامه بعدی شورایی امنیت، مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱، مورد تأکید مجدد قرار گرفت. [Res. 1373 (2001)].

حمله به مرکز تجارت جهانی و ... ❖ ۱۴۱

همان روز شوراي پيمان آتلانتيك شمالي به ائتفاق آرا بيانيه اي را براساس ماده ۵ پيمان ناتو صادر و به دفاع مشروع جمعي در قبال حمله به هريك از ۱۹ عضو پيمان اشاره نمود. به اين ترتيب، ۱۹ دولت عضو پيمان مزبور اعتقاد خود را به راه حل ماده ۵۱ اعلام داشته و آن را بر استفاده از زور از طريق دفاع مشروع دسته جمعي ترجيح دادند.<sup>۸</sup>

به اين ترتيب عملاً و ظرف فقط چند روز كليه اعضاي شوراي امنيت به علاوه اعضاي ناتو و تمام دولتهايي كه به توسل به ماده ۵۱ اعتراض نداشتند، حمله يك سازمان تروريستي را به منزله و معادل حمله مسلحانه يك دولت به شمار آورده و حق توسل به دفاع مشروع را براي دولت قرباني تجاوز به طور انفرادي و براي دول ثالث در صورت تقاضاي دولت

---

۸. ناتو، اطلاعیه ۱۲۴، ۲۰۰۱، (شوراي ناتو اعلام كرد كه چنانچه حمله مذکور از خارج عليه ايالات متحده امريكا صورت گرفته باشد، بايد به عنوان عملي مشمول ماده ۵ معاهده واشنگتن تلقي گردد كه اشعار مي‌دارد: حمله نظامي عليه يك يا چند دولت از متحدان اروپايي يا امريكاي شمالي، به منزله حمله عليه كليه آنان محسوب مي‌شود).

مورد تجاوز به طور جمعی مورد شناسایی قرار دادند.

اهمیت حمله تروریستی به نیویورک و واشنگتن شاید گسترش مفهوم دفاع مشروع را توجیه نماید. در اینجا قصد نداریم درباره مسأله «عرف خلق الساعه» و شکلیابی فوری قاعده‌های عرفی که دامنه دفاع مشروع پیش‌بینی شده در ماده ۵۱ منشور را گسترش می‌دهد، بحث کنیم. اظهار نظر قطعی راجع به این مسأله هنوز زود است. قطع نظر از این که آیا با «سابقه» ای متزلزل و یا با تغییری برجسته در قواعد حقوقی روبه‌رو شده‌ایم، واقعیت این است که چنین تلقی جدیدی از دفاع مشروع مشکلاتی بسیار جدی را به دنبال می‌آورد که اهم آنها به قرار زیر است:

تاکنون دفاع مشروع فقط علیه دولتها و تحت شرایط خاص فوق‌الذکر قابل توجیه بود. بنابراین هم هدف از دفاع مشروع روشن بود و هم منظور آن: هدف دولت متجاوز بود و منظور دفع تجاوز. به همین علت مدت اقدامات نظامی نیز در دفاع مشروع مشخص بود و تا خاتمه حمله بیشتر

حمله به مرکز تجارت جهانی و ... ❖ ۱۴۳

ادامه نمی‌یافت. اما اکنون تمام این شرایط مخدوش گردیده است و این امر مشکلاتی را در خصوص هدف، زمان، مدت، وسایل و طرق قابل‌توسل در دفاع مشروع برمی‌انگیزد.

مسأله هدف اقدام نظامی در دفاع مشروع حائز دو نکته بسیار مهم است: اولاً در دفاع مشروع «کلاسیک» هدف دولت متجاوز است اما در قضیه مورد بحث، این سازمان تروریستی است که باید مورد هدف قرار گیرد. در نتیجه امکان دارد که استفاده از زور علیه سرزمین دولت میزبان صورت گیرد. نقض حاکمیت دولت مزبور قانوناً از بابت معاونت و یا تخلف از «وظیفه» بین‌المللی هر دولت به شرح مقرر در قطعنامه‌های<sup>۹</sup> مختلف مبنی بر «خودداری از سازماندهی، تحریک، کمک و یا مشارکت در عملیات تروریستی در خاک کشور دیگر و یا حمایت نکردن از فعالیت‌های تشکیلاتی داخل مرزهای خود برای ارتکاب اقدامات

---

۹. نگاه کنید به: قطعنامه XXV - ۲۶۲۵ مجمع عمومی مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ «موسوم به قطعنامه روابط دوستانه» و نیز قطعنامه‌های (۱۹۹۸) ۱۱۸۹ شورای امنیت، مورخ ۱۳ اوت ۱۹۹۸ و (۲۰۰۱) ۱۳۷۳ مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱.

مذبذب»، قابل توجه می‌باشد. بنابراین از نظر توسل به زور در قالب دفاع مشروع، معاونت در تروریسم بین‌المللی با «حمله مسلحانه» یکسان شناخته شده است. ثانیاً مسأله دیگر شعاع و محدوده دولتهایی است که احتمالاً باید علیه آنها اقدام شود. گفته شده که شبکه کامل هسته‌های تروریستی تشکیل‌دهنده سازمانی که عملیات ۱۱ سپتامبر را رهبری کرده است در ۶۰ کشور جهان پراکنده است. آیا می‌توان تمام این کشورها را هدف قرار داد؟ مسلماً پاسخ منفی است، زیرا در غیر این صورت مخاصمه مسلحانه می‌تواند به جنگ جهانی سوم مبدل شود. لذا پرسش این است که واقعاً چطور باید کشورهای مسئول را مشخص نمود و از باب دفاع مشروع علیه آنها نیروی نظامی بکار برد؟ در زیر به این پرسش پاسخ داده خواهد شد:

نخست این‌که دفاع مشروع سنتی یا کلاسیک باید واکنشی فوری به حمله باشد. اگر دولت قربانی حمله دفع‌الوقت کند، دفاع مشروع باید به اقدام تحت مدیریت شورای امنیت مبدل گردد. دولت قربانی

حمله به مرکز تجارت جهانی و ... ❖ ۱۴۵

همچنین نمی‌تواند به اقدام تلافی‌جویانه، که خلاف حقوق بین‌الملل شناخته شده است دست زند، اما در ما نحن فیه به نظر می‌رسد که دولتها واکنش با تأخیر را مورد پذیرش قرار داده‌اند.

از این گذشته، درحالی‌که در دفاع مشروع شناخته شده و سنّتی تعیین زمان ختم دفاع مشروع آسان است، در این مورد طول مدت اقدام به دفاع مشروع قابل احراز نیست، چنان که گفته شده، این «جنگ» سالها طول خواهد کشید.

و اما در مورد وسایل و طرق قابل استفاده مسأله پیچیده‌تر است. زیرا در دفاع مشروع کلاسیک توسّل به زور علیه اهداف نظامی و در چارچوب قواعد حقوق انساندوستانه بین‌المللی مجاز شناخته شده است. اما در این قضیه برخی دولتها خواسته‌اند تا استفاده از هر نوع زور و خشونت و توسّل به انواع وسایل و روشها حتی کشتن تروریستها بدون محاکمه و یا استفاده از سلاح هسته‌ای را مشروع جلوه دهند. بی‌تردید چنین طرز فکری همیشه آّبستن حوادث ناگوار بوده و بدعت بسیار



خطرناكي را در جامعه بين‌المللي به جا خواهد گذاشت.

#### ٤. لزوم تكيه بر اصول كلي حقوق بين‌المللي

رويارويي با چنين بدعت‌هاي اساسي چاره‌اي جز توسل به اصول كلي حقوق بين‌الملل را كه تكيه گاه جامعه بين‌المللي است، باقي نمي‌گذارد. تكاليف برخاسته از اين اصول را مي‌توان چنين برشمرد:

- (الف) صلح‌خواهي و حتي‌الامكان امتناع از توسل به اقدام مسلحانه؛
- (ب) احترام به حقوق بشر؛
- (ج) عدم تعرض به غيرنظاميان؛
- (د) حلّ و فصل مخاصمات يا فرونشاندن بحران‌ها در چارچوبي چندجانبه با احترام از عمل يکجانبه و به حداقل رساندن اقدامات خودسرانه؛

حمله به مركز تجارت جهاني و ... ❖ ١٤٧

ه) برقراري عدالت و ریشه‌کن کردن جنایات بین‌المللی با کشاندن متهمان به پای میز محاکمه.

رعایت اصول فوق مانع از استفاده از زور گردیده و از بروز عوارض آن که می‌تواند به فروریزی بنیان‌های جامعه بین‌المللی بینجامد، جلوگیری می‌کند.

ایالات متحده آمریکا با آغاز اقدامات خود با رمز «عدالت بی‌پایان» قصد ظاهری خود را به برقراري عدالت و نه انتقام‌گیری و معامله به مثل به نمایش گذاشت. گفتنی است که اقدام آمریکا برای تطبیق با اصول و قواعد حقوقی حاکم بر جامعه بین‌المللی باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف) حتی‌المقدور یکجانبه نباشد. در قطعنامه‌های صادره در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱، شورای امنیت (قطعنامه ۱۳۶۸) و مجمع عمومی (قطعنامه ۵۶/۱) صریحاً و صحیحاً به لزوم اقدام جمعی بین‌المللی تأکید ورزیده‌اند.<sup>۱۰</sup> در همین جهت، شورای

---

۱۰. شورای امنیت از «تمام دولت‌ها دعوت کرده است که با هم در جهت استرداد مرتکبان، سازمان‌دهندگان و هدایت‌کنندگان (بند اجرایی ۳) همکاری عاجل نمایند و

امنیت طی قطعنامه ۱۳۷۳ که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ به اتفاق آرا به تصویب رسید، تدابیر لازم الرعایه از جانب کلیه دولتها را طبق فصل هفتم منشور در جهت مبارزه با تروریسم احصا کرده و به این ترتیب به مسؤولیت و اقتدار خویش برای حل بحران و راه حل جمعی تأکید ورزیده است.

تحت چنین شرایطی به نظر می‌رسد که هرچند ایالات متحده امریکا (با رعایت شرایط آتی‌الذکر) احتیاجی به کسب اجازه از شورای امنیت برای اقدام نظامی ندارد، ولی باید حداقل اقدامات خود را بلافاصله به شورا گزارش داده و از آن بخواهد تا برخی از اقدامات نظامی یا اقتصادی را رهبری نماید.

ب) حسب ادعا، قراین و شواهدی قوی وجود دارد که مقرر سازمان تروریستی

---

از جامعه بین‌المللی خواسته است جهت جلوگیری و ریشه کن کردن اقدامات تروریستی به تلاشهای مضاعفی دست زند»، (بند اجرایی ۴) «و فوراً به هر اقدام لازم دیگر برای پاسخگویی به تروریسم مبادرت ورزد» (بند اجرایی ۵). مجمع عمومی نیز در بند ۳ و ۴ مصراً به «همکاری بین‌المللی» و استرداد متهمان برای اجرای عدالت «جهت مبارزه با تروریسم» تأکید ورزیده است.

حمله به مرکز تجارت جهانی و ... ۱۴۹۶

طراحی و مجری عملیات ۱۱ سپتامبر در افغانستان است. از آنجا که دولت افغانستان مدتهای مدید با حضور و فعالیت تشکیلات تروریستی در سرزمین خود به تسامح برخورد کرده و حاضر به همکاری با جامعه بین‌المللی در جهت دستگیری تروریست‌ها نشده است، بنابراین سرزمین افغانستان می‌تواند هدفی مشروع برای واکنش‌های متقابل محسوب شود.

مع‌هذا بکارگیری نیروی نظامی باید با هدف خود یعنی (۱) دستگیری مسؤولان ادعایی جنایات مزبور و (۲) تخریب اهداف نظامی مانند زیرساخت‌ها، پایگاه‌های آموزشی و تأسیسات استفاده شده توسط تروریست‌ها متناسب باشد و نه با قتل عام ۱۱ سپتامبر.

از نیروی نظامی نمی‌توان برای حذف کادر رهبری یا انهدام تأسیسات نظامی افغان یا سایر اهداف نظامی که ربطی به سازمان‌های تروریستی ندارند استفاده کرد مگر این که مقامات مرکزی افغان با رفتار و یا گفتار خود اقدامات تروریستی سازمان‌های مذکور را تأیید و حمایت

نمایند. شاید وضعیت در این مورد با پرونده مطروحه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در ایران مشابه باشد.<sup>۱۱</sup> برای اینکه دولت افغان مسؤول اعمال بین‌المللی تروریست‌ها شناخته شود و در نتیجه ساختار سیاسی و نظامی دولت مزبور بتواند صحیحاً هدف حملات نظامی امریکا تحت عنوان دفاع مشروع قرار گیرد، تروریست‌ها باید به عنوان عوامل دولت افغان درآیند. ناگفته پیداست که رعایت کامل حقوق بشر و دستانه بین‌المللی در هر حال ضروری است و به محض انهدام اهداف مورد نظر عملیات باید خاتمه یابد.

---

۱۱. نگاه کنید به: رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۹۸۰، ص ۳۶، بند ۷۴. دیوان حکم داد که مبارزان ایرانی که بطور غیرقانونی سفارت ایالات متحده و اماکن کنسولی آن را اشغال کرده‌اند، از آن زمان که عمل آنان مورد تأیید دولت ایران واقع شد، «عوامل دولت ایران محسوب شده و بنابراین دولت مزبور از نظر بین‌المللی مسؤولیت اعمال آنها را به عهده خواهد داشت». همانطور که گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل آقای ج. کرافورد به درستی گفته است اگر دولت عمل آنان را تأیید و تصدیق نماید، اقدام مزبور «اثر به گذشته» نیز خواهد داشت، (کمیسیون حقوق بین‌الملل، نشست پنجاهم، 1988, A/CN. 4/490/ Add. 5, paras. 283 – 284).

و اما در مورد ساير دولتهاي مزنون به حمايت و پناه دادن به تشكيلات تروريستي مرتبط با حملات ۱۱ سپتامبر، ايالات متحده امريكا قانوناً نمي‌تواند به تنهائي راجع به استفاده از زور عليه آنان تصميم گيرد.<sup>۱۲</sup> زيرا اولاً استفاده از زور عليه آنان به افزايش بحران سياسي و نظامي دامن زده و به گسترش جنگ در جهان خواهد انجاميد و اين چيزي است كه با اهداف عالي سازمان ملل متحد (و در واقع جامعه بين‌المللي) براي حفظ صلح و امنيت بين‌المللي مغاير خواهد بود.

ثانياً بايد توجه داشت كه دفاع مشروع استثنائي بر اصل ممنوعيتِ توسل به زور يا تهديد به آن است (بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد) كه از اصول آمرت حقوق بين‌الملل محسوب مي‌گردد. لذا مانند هر استثنائي ديگري دفاع مشروع نيز بايد

---

۱۲. اين موضع ظاهراً موضع ايالات متحده به نظر مي‌رسد با توجه به سخنان وزير دفاع ايالات متحده د. اچ. رامسفلد، «پاسخ ما ممكن است توأم با استفاده از موشك‌هاي كروز به سمت اهداف نظامي در تمام دنيا باشد ... هر نقطه‌اي كه دشمن شبكه جهاني تروريستي و دولت حامي داشته باشد، ايالات متحده ممكن است در اين رابطه عليه هر دولت خارجي اقدام نظامي نمايد». (اينترنشنال هِرالد تريبيون، ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱، ص ۶).

به صورت مزیق تفسیر شود. بنابراین به نظر می‌رسد که ایالات متحده امریکا مجاز نیست که کشورهای دیگری را به فهرست اهداف نظامی خود بیفزاید. چنین اقدامی خلاف مفهوم دفاع مشروع و شرایط و الزامات شناخته شده آن است. باید توجه داشت که در قضیه مورد بحث پنج یا شش کشور به کشور دیگری حمله نکرده‌اند که متعاقب آن حق دفاع مشروع برای کشور مورد تجاوز نسبت به تمام آنها تحقق یابد. بلکه آنچه بوده حمله از سوی یک یا چند سازمان غیردولتی است که ممکن است در چند کشور که تشخیص آنها هم کار آسانی نیست، پایگاه داشته باشد بویژه این‌که میزان مشارکت هر یک از این کشورها نیز در عملیات تروریستی تفاوت می‌کند. این که به دولت قربانی عملیات تروریستی اختیار تام و مطلق داده شود که رأساً در مورد کشورهای حامی تشکیلات تروریستی و درجه حمایت و یا تحریک و تشویق آنها از تروریسم تصمیم‌گیری کند، از نظر حقوقی توجیهی ندارد.

حمله به مرکز تجارت جهانی و ... ❖ ۱۵۳

بررسی دقیق اصول کلی حقوق حاکم بر جامعه بین‌المللی پژوهنده را به این نتیجه می‌رساند که: تنها شورای امنیت صلاحیت دارد که در مورد شرایط توسل به زور علیه دول خاصی آن هم با استناد به ادله و شواهد متقن حاکی از در اختیار گذاشتن پایگاه، حمایت، تسهیل وسیله و مساعدت بجای متوقف ساختن عملیات تروریستی و دستگیری اعضای آن، تصمیم‌گیری کند.

ج) نکته بعدی این است که اقدامات ایالات متحده آمریکا علاوه بر جنبه نظامی باید متوجه این هدف باشد که متهمان به جنایات تروریستی مورد تعقیب قضایی قرار گرفته و محاکمه شوند و در این راه کشورهای ذی‌ربط را به استرداد آنان ترغیب کند. گرچه ایالات متحده آمریکا طبعاً مایل است چنین افرادی را در دادگاههای خود محاکمه نماید، نظر غالباً<sup>۱۳</sup> مبني بر تسلیم متهمان به دیوان کیفری بین‌المللی لاهه جهت محاکمه پس از تجدید نظر در اساسنامه آن و جاهت بیشتری

---

۱۳. نگاه کنید به: ج. رابرتسون، تایمز، C.I.T.



یافته است. بدیهی است که با برگزاري يك دادرسى بين‌المللى هرگونه شائبه بي‌عدالتى و غرض ورزى رفع خواهد شد، زیرا همانطور که گفته شده هیأت منصفه‌اي که اعضاي آن از نیویورک باشد، «از نظر احساسى و عاطفى فوق‌العاده تحت تأثیر این جنایت قرار دارند»<sup>۱۴</sup> و بی‌طرفی آنها زیر سؤال خواهد بود. از این گذشته دادرسى بين المللى بازتاب گسترده‌تری به قضیه بخشیده و قبح این اقدامات تروریستی را بیشتر نمایان می‌سازد.

د) اگر انگیزه ایالات متحده امریکا واقعاً اجرای حق و عدالت است، در این صورت نباید خود را فقط به اقدامات سرکوبگرانه محدود سازد. اینگونه اقدامات، واکنشی کوتاه مدت به ماجراست، در حالی که چنین واقعه‌اي شایسته برخوردی بلند مدت است. اجرای حق، مستلزم تحقق عدالت اجتماعی نیز هست و آن یعنی مبارزه با نابرابری‌های عمیق اجتماعی مانند فقر، عقب ماندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بیسوادی و نهادینه

---

۱۴. نگاه کنید به: ج. رابرتسون، C.I.T.

کردن تکثر سياسي و مردم سالاري و نظاير آنها. بي‌ترديد عوامل فوق در بطن تروريسم ريشه داشته و در شعله ور شدن نفرت و افراطگري اثرگذارند. به قول کوفي عنان « مردم نااميد و مستأصل طعمه‌هاي بسيار آساني براي تشکيلات تروريستي هستند». ۱۰ اين در حالي است که ايالات متحده امريکا طی سال‌هاي اخير مي‌توانسته با هدف مهار و رفع مشکلات جدی ياد شده تلاش‌هاي همه جانبه مؤثري را معمول داشته و براي بحران‌هاي مزماني چون مسأله خاورميانه که آستان حوادثي اين چنين است به تدريج راه حلي بيابد.

## ۵. نتیجه

خلاصه کلام اينکه واکنش به تراژدي فجييع ۱۱ سپتامبر فقط در صورتي مي‌تواند به تحولات حقوقي قابل قبول در جامعه بين‌المللي بينجامد که اقدامات و تدابير متخذه، منطقي و حتي‌المقدور با اجماع بين‌المللي بوده و با اصول مورد پذيرش

---

۱۵. مصاحبه مطبوعاتي شيراک (رئيس‌جمهور فرانسه) و کوفي عنان، ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۱، ص ۴.

(<http://www.un.org/News/Press/docs/2001/sgsm7964.doc.htm>).

این جامعه در تعارض نباشد. اگر چنین نشود راه برای باز تولید اینگونه هرج و مرجها در صحنه بین‌المللی همچنان گشوده خواهد بود، و این همان چیزی است که تروریسم بین‌المللی سخت خواهان آن است.